

بسوی اول مه،

پیشروی جنبش کارگری در گرو چیست؟

صفحه ۳

سیاوش دانشور

باید بمیری! زن دختر را نمیخواهم

صفحه ۶

ملکه عزتی

تا کارگر هست اول مه زنده است،

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر

صفحه ۷

همایون گدازگر

فاصله اتاق شکنجه در زندان تا کلاس درس

فقط چند وجب هست!

صفحه ۹

پروین کابلی

در تدارک اول مه

(تاکید بر اقدامات ضروری)

صفحه ۱۰

رحمان حسین زاده

درباره شکنجه و تعرض به دانش آموزان در مدارس

صفحه ۱۱

امیر عسگری

ستون اخبار مبارزات کارگری

و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: حیات الماسی و اوین

رضایی

ستون آخر

در باره مذاکرات دولت‌های

آمریکا و جمهوری اسلامی

سیاوش دانشور

۷۹۸

هکمتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

۲۹ فروردین ۱۴۰۴ - ۱۸ آوریل ۲۰۲۵

اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران

— حکمتیست

به سوی اول مه، علیه نظم

سرمایه، زنده باد انقلاب

کارگری

به اول مه، نماد اتحاد جهانی طبقه کارگر و برافراشتن پرچم "کارگران جهان متحد شوید"، نزدیک می‌شویم. اول مه، روز شاخص اعتراض جهانی طبقه کارگر علیه نظم و وارونه سرمایه و مناسبت گران‌بهای طرح کیفرخواست طبقه کارگر علیه بردگی مزدی است. در این روز، از نگاه میلیارد‌ها انسان در اقصی‌نقاط جهان، تفاوت و تقابل پایه‌ای دو طبقه و دو جنبش متمایز عرض اندام می‌کند. در روز جهانی کارگر در بسیاری از کشورها و شهرها، شاهد مارش‌ها و میتینگ‌های کارگران و انسان‌های معترض به استثمار و ستم سرمایه‌داری هستیم.

طبقه کارگر جهانی و همه مزدبگیران آزادیخواهان به نظمی معترض‌اند که در اوج جهانی شدن سرمایه‌داری، در شرایطی که شاهد بزرگترین تحولات اقتصادی و جهش‌های تکنولوژیک، انفورماتیکی و دستیابی به هوش مصنوعی هستیم و دنیا از ثروت حاصل کار طبقه کارگر اشباع شده، اما مسأله بقاء فیزیکی برای میلیارد‌ها انسان کارکن و فاقد مالکیت از کشورهای فقیر آفریقا و آسیا و آمریکای جنوبی تا قلب پایتخت‌های اروپای غربی و آمریکا، به یک بحران بدل شده است.

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست**به سوی اول مه، علیه نظم سرمایه، زنده باد
انقلاب کارگری**

جنبش کارگری میتواند پرچم آزادی، برابری و رهایی جامعه را به دست گیرد. کیفرخواست کارگران علیه نظم سرمایه‌داری را نمایندگی کند. علیه "دستمزد" چند بار زیر خط فقر و برای دستمزد مکفی و رفاه همگانی، صفوف اردوی کار را متحد سازد. در اجتماعات و بیانیه‌ها بر آزادی فوری زندانیان سیاسی، علیه اعدام و بر پایان سرکوب، و مقابله با تحریم‌ها و فضای جنگی و تهدیدهای امپریالیستی، علیه تداوم نسل‌کشی مردم فلسطین به دست فاشیسم حاکم بر اسرائیل تأکید کند.

در اول مه اعلام کنیم: اگر سکان جامعه به دست ما کارگران باشد، با ثروتی که خود تولید کرده‌ایم، آزادی، برابری و رفاه را برای همه شهروندان فراهم می‌کنیم. اگر قدرت به دست ما باشد، دنیای بهتر و زندگی بهتری را ایجاد می‌کنیم. با پایان دادن به هزینه‌کردن سرمایه برای دولت‌ها، ارتش‌ها، دستگاه سرکوب و نهادهای امنیتی، مذهبی می‌توانیم فقر، گرسنگی، بیکاری و بیماری را ریشه‌کن کنیم. ما می‌توانیم جامعه‌ای مرفه و زندگی‌ای شایسته انسان برای همگان بسازیم.

زنده باد اول مه!**زنده باد انترناسیونالیسم کارگری!****زنده باد آزادی، برابری حکومت کارگری!****حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست****۲۸ فروردین ۱۴۰۴ - ۱۷ آوریل ۲۰۲۵****علیه فاشیسم، علیه ریاضت اقتصادی!****سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت است!**

اول مه روز تأکید بر هویت طبقاتی - انترناسیونالیستی طبقه کارگر است. در اول مه بر اتحاد جهانی کارگران علیه سرمایه داری، علیه ناسیونالیسم و فاشیسم، علیه سیاستهای جنگ طلبانه، علیه سیاستهای ریاضت اقتصادی متحدانه اعتراض کنیم!

در اول مه اعلام کنیم؛ سرمایه داری مسبب و بانی کلیه مشقات انسان امروز است، انقلاب کارگری و سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت است!

زنده باد انترناسیونالیسم کارگری!**زنده باد انقلاب کارگری!****حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست****آوریل ۲۰۲۵**www.hekmatist.org

جنگ، تروریسم، و کشتار انسانها در پنج قاره بیداد می‌کند. عقب‌گردهای عظیم فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از جمله بازگشت جهالت مذهبی، مردسالاری، نژادپرستی، کودک آزاری، زن‌ستیزی، مهاجرت‌ستیزی و فاشیسم، و سقوط حقوق و شأن انسان به دست بی‌رحم سرمایه‌داری و بازار آزاد، زندگی میلیون‌ها کودک، پیر و جوان را تهدید می‌کند. جنایت سازمان‌یافته در بسیاری از کشورها به واقعیتی روزمره در حیات سیاسی و اقتصادی بدل شده است. سرمایه‌داری و اصل اصالت سود، محیط زیست را با لطمات جبران‌ناپذیری روپرو ساخته‌است.

طبقه کارگر و بشریت، بربریت سرمایه‌داری را با گوشت و پوست خود لمس می‌کنند. هیچ دوره‌ای از تاریخ سرمایه‌داری، استثمار کارگر و سهم کمتر او از حاصل نیروی کارش به این شدت نبوده است. انقلاب تکنولوژیک، نه تنها بر مقهوریت اقتصادی کارگر افزوده، بلکه اشکال جدیدی برای حفظ اقتدار بورژوازی فراهم کرده است. تکنولوژی و هوش مصنوعی به اسارت بیشتر میلیاردها انسان و تشدید فقر، بیکاری و تبعیض انجامیده است.

رقابت مخرب اقتصادی، سیاسی و نظامی میان قطب‌های بزرگ سرمایه‌داری، رشد راست افراطی و خطر فاشیسم، جهان را به سمت آینده‌ای پر از بحران و تخاصمات سوق می‌دهد. در خاورمیانه، پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، تروریسم و جنگ در فلسطین و نسل‌کشی فاشیستی دولت اسرائیل در غزه، نماد توحش عصر حاضر شده است. آمریکا و اسرائیل، از حمله‌ی تروریستی حماس به‌عنوان بهانه‌ای برای اجرای طرح‌های از پیش تعیین‌شده‌ی خود برای خاورمیانه "نوین" و تماماً ضد انسانی استفاده خواهند کرد.

امروز، پایان دادن به این وضعیت به حضور آگاهانه و سازمان‌یافته جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر گره خورده است. تنها راحل، انقلاب کارگری برای درهم‌کوبیدن نظم سرمایه‌داری و بربریت آن است. هیچ راه سومی وجود ندارد. آلترناتیو، سوسیالیسم کارگری است. راهکارهای چپ بورژوازی و رفرمیست ناکام و شکست‌خورده‌اند. سوسیالیسم کارگری با اتکا به توان و ظرفیت فعلی طبقه کارگر و ستمدیدگان و با فائق آمدن بر محدودیتهای خود، می‌تواند ورق را برگرداند و اختیار را به انسان بازگرداند.

طبقه کارگر ایران در شرایطی ویژه به استقبال اول مه می‌رود. جامعه ایران در آستانه‌ی تحولات سرنوشت‌ساز قرار دارد. جمهوری اسلامی در بحران‌های پیچیده‌ای غوطه‌ور است و آینده‌ای ندارد. در یک دهه‌ی اخیر، خشم مردم در اعتراضاتی چون دی ۹۶، آبان ۹۸، خیزش انقلابی ۱۴۰۱، و اعتصابات کارگری و اعتراضات توده‌ای برای سرنوشتی رژیم اسلامی خود را نشان داد.

در همین دوره با وجود تناسب قوای نامساعد، اعتصابات کارگری و اعتراضات اجتماعی مهم ادامه داشته‌است. اکنون امید به طبقه کارگر ایران به‌عنوان نیروی رهبر تحولات اجتماعی بیش از همیشه است.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

بسوی اول مه،

پیشروی جنبش کارگری در گرو چیست؟



نیستند، توده های کارگران ناآگاه اند و نتیجه میگیرند که کارگر در ایران در موقعیت بقا و دفاع است و اعتراضات کارگری هم برای همین مسائل است و نه خواستهای تعرضی برای رفاه و افزایش دستمزد و مسائل سیاسی!

من با این دیدگاه عمیقاً مرزبندی دارم و فکر میکنم جایگاه کارگر را آگاهانه یا ناآگاهانه کوچک میکند، در بهترین حالت

میخواهد "عینی" باشد که راه حل پیشروی پیدا کند اما از فرمولهای فکری خود حرکت می کند. مهمتر اینکه درک روشنی از رابطه اقتصاد و سیاست در کشورهای سرمایه داری مبتنی بر اختناق عریان و استثمار نیروی کار ارزان ندارد. مقایسه ایران با کشورهای غربی و حتی کره جنوبی و سنگاپور و فیلیپین اشتباه است. در این جامعه اختناق پرده ساتری بر واقعیات پیچیده و چند بُعدی است و همین واقعیت بارها تحلیلگران و رسانه ها را از رویدادهای ایران دچار شگفتی کرده است. ایران کشوری است که بیش از هر کشور منطقه سنت های سیاسی و مبارزاتی ریشه دار در اقتصاد سیاسی یک جامعه سرمایه داری دارد. کارگر یک قرن پیش در آن جامعه حزب کمونیستی داشته، سازمان کارگری داشته، اعتصابات و اعتراضات وسیع داشته و در تحولات سیاسی در هر دوره بویژه در انقلاب ۵۷ بعنوان یک فاکتور مهم سیاسی مطرح بوده است. آنچه نیازهای سرمایه داری ایران و اختناق بعنوان جزء لاینجزای حاکمیت سرمایه تحمیل کرده است، به قانون فیزیک و فشرده کردن اجباری فتر میماند که بمجرّد اینکه بدرجهای فشار پس زده میشود، با سرعت حیرت انگیزی در قامت واقعی خود را نشان میدهد. راه دوری نباید رفت؛ به شعارها و سیاستهای جاری و جاافتاده در جامعه در قلمروهای مختلف نگاه کنید، به اسناد و قطعنامه های کارگران نگاه کنید، به تلاش ممتد و بیوقفه برای متشکل شدن و مبارز مجویی با حکومت سرمایه نگاه کنید، به میزان اعتراضات و اعتصابات کارگری و روشها و سنت های مبارزاتی نگاه کنید، به محبوبیت کمونیسم و سوسیالیسم در میان طیف وسیع فعالین کارگری و فعالین اجتماعی نگاه کنید؛ همه بر این گواهی میدهند که رادیکالیسم کارگری و انتقاد سوسیالیستی یک سنت مبارزاتی قدرتمند در آن جامعه است که تحت اختناق پدرستی و انطور که هست دیده نمیشود. نفس اینکه سنت رفرمیستی در ایران نمی گیرد و چنین دیدگاه و سیاستی تنها و بلافاصله با سیاست بقای اصلاح طلبان حکومتی چفت می شود، حاکی از ویژگی های مشخصی است که به ما می گوید نمیتوان با هر متری سراغ تبیین جنبش کارگری در ایران رفت. سترونی سندیکالیسم در ایران، بعنوان مثال، یک نتیجه این وضعیت است. نه فقط جنبش کارگری ایران از پُر تحرکترین و موثرترین جنبش های اجتماعی در ایران

صفحه ۴

**مجمع عمومی ظرف ابراز وجود
مستقیم و مستمر کارگران است!**

**مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر
نیازی برپا کنید!**

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!

جنبش کارگری ایران یکی از پُر تحرکترین و پُر سر و صداترین جنبش های اجتماعی ایران است. جنبش کارگری ایران از نادر جنبش های اجتماعی است که توانسته است افق و سیاست های کارگری را در جامعه تسری دهد و به یک معنا قادر شده است که سرها را به سمت خود برگرداند. بورژوازی ایران اعم از حکومتی و اپوزیسیونی نیز این واقعیت مادی را برسمیت شناخته و برای مقابله با آن عناوین مختلف دست بکار شده است. تا به رژیم اسلامی مربوط است، سالها پیش بود که اتاق های فکری و مزدوران حکومتی سرمایه راجع به "خطر" یقه آبی ها هشدار دادند. آنها براین باور بودند که اعتراض اقشار میانی و نسبتاً مرفه - یقه سفیدها - که عمدتاً در حوزه فرهنگی است میتواند مهار شود و یا حاکمیت می تواند آنرا مدیریت کند اما خطر اساسی نیست که حاکمیت اسلامی را تهدید میکند. بالعکس، براین جنبه تاکید داشتند که این محرومان و کارگران و یقه آبی ها هستند که میتوانند "بنا به مشکلات" محرک شورش گرسنگان و قیامهای توده های باشند. (و البته این نکته را نمی گفتند که گسترش روزافزون شکاف طبقاتی و فقر مزمّن و بیکاری و بی افقی اقتصادی و مصائب اجتماعی ناشی از آن موتور محرکه این "خطر" است). این ارزیابی حکومتی ها به این منجر شد که جمهوری اسلامی، شاید اولین حاکمیت سرمایه داری باشد که علناً "نیروهای ضد شورش کارگری" را سازمان داد، مانورهای ضد تظاهرات کارگری برگزار کرد و در صنایع مختلف از جمله صنایع کلیدی اشکالی از کنترل پادگانی را حُکمفرما کرد. و بالاخره آغاز برآمدهای توده های و انقلابی، بر متن تشدید بحران اقتصادی و تعرض لجام گسیخته به زندگی طبقه کارگر، نشان داد زیاد هم بیراه نگفته بودند. میخواهم تاکید کنم که خود بورژوازی اسلامی این واقعیت را نه فقط برسمیت شناخته بلکه برای تقابل با آن خیز برداشته بود.

در میان اپوزیسیون بورژوائی ایران نیز وحشت از جایگاه کارگر و جنبش طبقاتی اش در تحولات پیش رو نیز بروشنی پیداست. نفس اینکه پروپاگاند و خط تبلیغاتی کُل این صف ارتجاعی و ضد کارگری به سخن گفتن علیه عمل انقلابی و تغییرات رادیکال خلاصه میشود، نفس اینکه بورژوازی تلاش دارد با سیاستهای مشخصی سنت های رادیکال کارگری مانند هشت مارس و اول مه را با ادبیات ناسیونالیستی درونی و مهار کند، نفس اینکه از میان فعالین کارگری ناسیونالیست و سندیکالیست عضوگیری میکند تا بعنوان "نماینده کارگران" بخشی از کارگران را به نیروی ارتجاع بورژوائی بدل کنند یا "کارگران میهن" را ضمیمه اهداف سیاسی و طبقاتی خود میکنند؛ اینها نشان میدهد که بورژوازی در اپوزیسیون برای دور کردن کارگر از عمل انقلابی و سیاست کمونیستی تلاش وافر و بخرج میدهد و به سیاق اسلاف حکومتی خویش "خطر" جنبش رهاییبخش کارگری را درک کرده است.

با اینحال و متأسفانه فقط در میان برخی از تحلیلگران و ناظران چپ و فعالین کارگری است که جنبش کارگری را "ضعیف" و یا در "موقعیت دفاعی" تصویر می کنند. این دیدگاه براین استدلال استوار است که کارگران برای حقوق معوقه، برای کار، علیه بیکاری و غیره مبارزه می کنند، از تشکلهای صنفی و سندیکانی محلی و سراسری برخوردار

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!

بسوی اول مه،

پیشروی جنبش کارگری در گرو چیست؟

است بلکه در متن بُن بست و ورشکستگی دیگر افق‌های اجتماعی، جنبش کارگری می‌رود که به یک پای تعیین تکلیف در جامعه در اشکال مختلف بدل شود. ما همواره تاکید کردیم که برای نجات جامعه ایران از فقر و اختناق و سرمایه فقط و فقط راه حل کارگری وجود دارد. یا تداوم اختناق و استبداد و استثمار و حاکمیت بورژوازی در اشکال جدیدی و یا راه حل کارگری. راه سومی وجود ندارد. امروز و بدنبال تجارب برآمدهای توده‌ای و انقلابی هزار بار تاکید می‌کنیم که همه سرها باید به سمت کارگر و جنبش رهانیبخش کارگری برگردد. کارگران در موقعیتی تاریخی و دورانسازی قرار گرفته‌اند که می‌توانند به یک قرن ارتجاع و استبداد و استثمار و بیحقوقی و بی حرمتی پایان دهند.

جنبش کارگری برای پیشروی باید به مسائل متنوعی پاسخ دهد. اولین مسئله اینست که صف مستقل طبقاتی خود را به معنی استقلال سیاسی و فکری، استقلال از جنبشهای طبقات دیگر، استقلال تشکیلاتی و حزبی مرتباً تاکید و تضمین کند. کارگران نباید به نیروی جنبش‌های ارتجاعی و به گوشت دم توپ جنگ سرمایه‌داران و احزاب بورژوازی برای سازماندهی مُجدد اقتصاد ورشکسته سرمایه داری ایران و دادن چک سفید برای تداوم استثمار و فقر و فاقه عمومی چند نسل دیگر بدل شود. لذا تاکید بر استقلال طبقاتی معنی سکتاریسم و یا بی توجهی به دیگر جنبش‌های جاری در جامعه و یا دیگر خواسته‌های مشروع نیست. برعکس، تاکید بر دخالت مستقل کارگر و داشتن سیاست کارگری در قبایل کلیه مسائل جامعه و سولاتی است که فی‌الحال توجه بخشهایی از جامعه و حتی بخشهایی از نیروی طبقه ما را بخود جلب کرده است.

لذا کارگر نه بعنوان عناصر مُنفرد و یا تشکلهای کارخانه‌ای و محافل کارگری بلکه باید بمثابة یک طبقه در جدال قدرت سیاسی درگیر شود. مهمترین سوال در هر دوره انقلابی مسئله قدرت سیاسی است و طبقات متخاصم و جنبش‌های اجتماعی و احزاب سیاسی‌شان برای تعیین تکلیف وارد این جدال سرنوشت ساز می‌شوند. دیگر قامت کارخانه ای و رشته‌ای جوابگوی نیازهای سیاسی امروز نیست. (اینجا تاکید می‌کنم نفس اعتراضات کارگری در اشکال سراسری و رشته ای و هماهنگی بین صنایع مختلف برای حضور اعتراضی همزمان و یا درگیر شدن خانواده های کارگران و محلات کارگری در کشمکش با دولت و کارفرمایان، متکی شدن به اعتراض توده ای و سنت مجمع عمومی و مثلاً پرهیز از هیئت نمایندگی در بیشتر اعتراضات؛ اینها از یکسو بیانگر درجه تشکیلاتی دوفاکتور در جنبش کارگری است و از سوی دیگر تلاش رهبران کارگران برای پس زدن اختناق و ممنوعیت تشکلهای برسمیت شناخته شده کارگری را نشان میدهد). این پتانسیل واقعی و غیرقابل انکار، در تناسب قوای جدیدتری میتواند به اعلام صدها شورای کارگری و فدراسیون‌های کارگری مُنجر شود. من از این جنبه بویژه در دوره انقلابی ابداً نگرانی ندارم. امروز اما کارگران باید ادعای حکومت کنند، بدون هیچ تعارفی. وقتی گُل بدنه و جوارح نظام در فساد و ارتشاً و دزدی غرق است، وقتی خود حکومتی‌ها هم‌دیگر را برسمیت نمی‌شناسند و صلاحیت مملکت‌داری هم‌دیگر را زیر سوال می‌برند، و مهمتر، وقتی یک جامعه علیه گُل بنیادهای این حکومت روشن و صریح سخن می‌گوید؛ اینها یعنی "جامعه کارگران را صدا می‌زند". جنبش کارگری و کمونیسم ایران باید بسیار صریح

اعلام کند که بورژواها صلاحیت اداره جامعه را ندارند، بورژواها بنا به ماهیت استثمارگر و ضد جامعه‌شان علیه هر نوع برابری و رفع تبعیض و رفاه اجتماعی‌اند، کارگران می‌توانند جامعه را اداره کنند، دولت انقلابی کارگری می‌تواند مشکلات موجود را بسرعت و با اتکا به دهها میلیون انسان دینفع حل کند. این سیاست میتواند کارگر را به مرکز اصلی توجه جامعه و به سمت یک آلترناتیو قابل قبول در صحنه سیاسی جلو بیاورد. اول مه از جمله وقت مناسبی برای چنین تحرکی و جلب توجه جامعه و جهانیان به طبقه کارگر و راه حل کارگری است.

مسئله دیگر اتخاذ تاکتیک‌هایی است که پیشروی جنبش کارگری را در این روند تضمین کند و صحنه سیاسی را بدرجه بیشتری اشغال کند. در سیاست "نسخه‌ای برای تمام فصول" نداریم. در شرایط خطیر و انفجاری کنونی، هر مسئله قدیمی باید در قالب جدیدی طرح شود. مثلاً کارگران مراکز صنعتی و تولیدی زیادی حقوق معوقه دارند. کارگران باید نپرداختن حقوق کار تحویل داده شده را فساد و دزدی و جرم کارفرمایان و دولت اسلامی‌شان اعلام کنند، علیه این اقدام آنها ادعای داشته باشند و سطح توقع جامعه را بالا ببرند. بروشنی بخواهند که حقوق‌های معوقه با احتساب نرخ تورم و ارزش از دست رفته ریالی آن باید بی‌هیچ چون و چرائی پرداخت شود. مگر اداره برق و گاز قبول می‌کند کارگر قبض‌اش را پرداخت نکند؟ چرا کارگر باید این ثرم ارتجاعی را قبول کند؟ یا در مورد تعیین نرخ دستمزدها، مادام که کار مُزدی و نظم بردگی مُزدی برقرار است، تنها و تنها در صلاحیت نمایندگان مُنتخب کارگران است. کارگران باید قانون حداقل دستمزد مُبتنی بر چند برابر زیر خط فقر اسلامی را ملغی اعلام کنند و راه حل خودشان را برای حقوق پایه همه شهروندان از کارگر و غیر کارگر اعلام کنند. در مورد حق آموزش، حق سلامتی، حق مسکن، و دیگر حقوق مُسلم باید اعلام کنند که کارگران چه راه حلی دارند و آنرا نه فقط برای خودشان بلکه برای همه جامعه می‌خواهند. در مورد سولات واقعی و مُهم در جامعه اعم از تبعیض به زنان و اعتراض برحق علیه آپارتاید جنسی و حجاب اسلامی، در باره استثمار شدید زنان کارگر و مسائل متنوع دیگر، باید کارگر بعنوان یک عنصر اجتماعی و طبقاتی بمثابة راه حل و "دولت آلترناتیو" ظاهر شود. ما نمی‌توانیم در قالب "صنف" کارگر انتظار داشته باشیم که سرها به طرف ما برگردد. روشن است که اعتراضات کارگری و گسترش آن، با هر خواستی، بدو حضور سیاسی کارگر را برجسته می‌کند و در سطحی از تناسب قوا هنوز به این صورت عمل خواهد شد. اما پیشروان طبقه و رهبران کارگری باید چند قدم جلوتر باشند، توجه جامعه و حمایت واقعی را به سمت خود جلب کنند و تصویر براستی یک جنبش رهانیبخش کارگری را، همانطور که تاریخاً اینگونه بوده است، از خود بدست دهند.

و یا درمتن تشدید بحران اقتصادی و بیکارسازی‌ها و تعطیلی کارخانه‌جات، کارگران نباید مُنفعل عمل کنند. بانک اگر از شما بدهی داشته باشد و شما نتوانید پرداخت کنید، می‌آید و اموالتان را مُصادره می‌کند. چرا کارگران اینطور عمل نکنند؟ جنبش کارگری ضروری است بعنوان یک تاکتیک دوره انقلابی به سیاست کنترل کارگری بعنوان یک وجه جنبش عمل مستقیم کارگری روی‌آورد. بحث ما این نیست که کارگران بهتر از سرمایه داران اداره کارخانه و نظم کار مُزدی را پیش می‌برند، بحث اینست که کارگر با سیاست کنترل کارگری اجازه نمی‌دهد که کارفرما زندگی‌اش را گرو بگیرد و به کسی جوابگو نباشد. در شرایط انقلابی سیاست کنترل کارگری ابزار دفاع از موجودیت خود و بسط مبارزه و فردای کسب قدرت حلقه ای از سوسیالیزه کردن اقتصاد است. همین امروز در فرانسه و کشورهای دیگر وقتی کارفرما می‌خواهد بیکارسازی کند، کارگران کارخانه را اشغال می‌کنند و از هر نوع نقل و انتقال کالا ممانعت می‌کنند. اشکال مُختلفی از ابتکارات

بسوی اول مه،

پیشروی جنبش کارگری در گرو چیست؟

انقلابی هست که کارگر را بجلوی صحنه سیاست پرتاب می‌کند و جامعه را حول افق کارگری قطبی می‌کند. در ایندوره که به سمت یک تعیین تکلیف سیاسی با جمهوری اسلامی می‌رویم و سرمایه داران متفرقه برای اعاده وضع موجود دندان تیز کرده‌اند، تاکتیک‌های مبارزه کارگری باید تسهیل کننده استراتژی انقلاب کارگری باشد.

یک اقدام ضروری دیگر ایجاد آمادگی برای اعلام شوراهای کارگری است. در ایندوره ضروری و مبرم است که در صنایع و مناطق مختلف توسط رهبران کارگری و کارگران صنایع شوراهای را ایجاد و اعلام کرد. شورا تشکلی مناسب دخالت مستقیم و مستمر توده کارگران در جدال با سرمایه‌داران، ارگان تقویت کارگر و ظاهر شدن بعنوان یک جنبش واقعی و ریشه دار، از ارگانهای قیام و مدل حاکمیت کارگری است. امروز مجامع عمومی ایزار و ظرف اعتراض کارگران است. مجمع عمومی را باید آگاهانه به جنبش ایجاد مجمع عمومی بدل کرد. مجمع عمومی یعنی شورای دائر و شورا یعنی تصمیم توده کارگر با اتکا به مجمع عمومی. شعار و سیاست "زنده باد شوراهای!، شوراهای را ایجاد کنید!" باید در محل کار و محلات کارگری به حرف اول هر سازمانده و فعال کارگری بدل شود.

و بالاخره جنبش کارگری باید تلاش کند که در اول مه بعنوان نوک تیز اردوی انقلابی و ناجی جامعه علیه حاکمیت فاسد اسلامی و کارفرمایان استثمارگر قد علم کند. هیچ زمان مانند امروز جامعه نیازمند راه حل سوسیالیستی کارگران برای آزادی جامعه نبوده است و هیچ زمان مانند امروز جنبش کارگری به این درجه در ثقل سیاست ایران مورد توجه نبوده است.

افق طبقه کارگر ملی نیست، مذهبی نیست، جنسیتی نیست، استقلال طلب و خودمختاری طلب نیست، منفعت صنف خاصی را دنبال نمی‌کند، دین ویژه‌ای نمی‌آورد و در پی احیای سنت‌های عتیق و باستانی بشر نیست. کارگران می‌خواهند مبنای نظم مبتنی بر تبعیض و نابرابری، نظم مبتنی بر استثمار کار مزدی و مالکیت خصوصی را تغییر دهند. اول مه پرچم طبقه کارگر رادیکالی است که تغییر این جهان وارونه و نظم سرمایه‌داری را امر فوری خود میدانند. اگر جنبشها و طبقات دیگر آزادی قسمتی و حقوق ویژه‌ای را نهایت اهداف خود قرار داده اند، طبقه کارگر در عین طرح مطالبات بلاواسطه اش، که آنها در چهارچوب رفاه همگانی قرار دارد، پرچم آزادی انسان از سلطه و انقیاد سیاسی و اقتصادی سرمایه‌داری و مناسبات بردگی مدرن مزدی را برافراشته است. این یعنی کارگر برای آزادی ناچار است همه را آزاد کند و در اسارت نگهداشتن بخشی از جامعه منفعتی ندارد. این یعنی طبقه کارگر آزاد نمیشود مگر اینکه کل جامعه را آزاد کند. زنده باد اول مه! زنده باد انقلاب کارگری!

17 آوریل 2025

زنده باد اول مه!

افق طبقه کارگر ملی نیست، مذهبی نیست، جنسیتی نیست، استقلال طلب و خودمختاری طلب نیست، منفعت صنف خاصی را دنبال نمی‌کند، دین ویژه‌ای نمی‌آورد و در پی احیای سنت‌های عتیق و باستانی بشر نیست. کارگران می‌خواهند مبنای نظم مبتنی بر تبعیض و نابرابری، نظم مبتنی بر استثمار کار مزدی و مالکیت خصوصی را تغییر دهند.

اول مه پرچم طبقه کارگر رادیکالی است که تغییر این جهان وارونه و نظم سرمایه داری را امر فوری خود میدانند. اگر جنبشها و طبقات دیگر آزادی قسمتی و حقوق ویژه‌ای را نهایت اهداف خود قرار داده اند، طبقه کارگر در عین طرح خواسته‌های بلاواسطه اش که در چهارچوب رفاه همگانی قرار دارد، پرچم آزادی انسان از سلطه و انقیاد سیاسی و اقتصادی سرمایه داری و مناسبات بردگی مدرن مزدی را برافراشته است.

این یعنی کارگر برای آزادی ناچار است همه را آزاد کند و در اسارت نگهداشتن بخشی از جامعه منفعتی ندارد. این یعنی طبقه کارگر آزاد نمیشود مگر اینکه کل جامعه را آزاد کند.

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیتست

۲۰۲۵ آوریل

www.hkmatist.org

باید بمیری! زن دختر را نمی‌خواهم

ملکه عزتی

تلاش است اما امر جدی‌تر و مهم‌تر در این روند به چالش کشیدن کل سیستمی است که وقوع چنین جنایاتی را ممکن می‌سازد و برای آن هم محمل قانونی می‌تراشد و هم موجه جلوه می‌دهد. هر از چندگاهی اسم و عکس تعدادی از زنانی که قربانی خشونت خانگی شده اند و به بهانه چندی از حفظ ناموس کشته میشوند در صدر صفحات حوادث قرار می‌گیرد، تا کی باید خواننده ساکت این فجایع بود؟ این چرخه اعمال خشونت را باید از بنیان در هم شکست. اصلاح قوانین، اصلاح مجرمین و عاملین خشونت اصل خشونت و منبع خشونت را از بین نمی‌برد هر چند در یک جامعه آزاد و برابر و مبتنی بر قوانین و حقوق برابر مابین انسانها فارغ از هر تعلقی میشود این امکانات را هم ایجاد کرد. اما مادام که سیستم حاکم مبلغ و حامی خشونت است، باید کل سیستم به زیر کشیده شود. در حالیکه جمهوری اسلامی این روزها با نبرد مرگ و زندگی روبروست همبستگی و تشکل کلید واژه و رمز شروع اقدامات مهم و حیاتی در این عرصه است.

17 آوریل 2025

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!



است جان بگیرد و منسوخ هم نشده. در همه جای دنیا خصوصاً آنجا که زن ستیزی و آپارتاید جنسی حکم میراند زنان اولین قربانیان خشونت موجود در جامعه و در احکام و قوانین جاری موجود هستند.

قتل فرزانه به جرم جنسیت نوزادان چه میزان وجدان اجتماعی را بدر میآورد و به واکنش وامیدارد

هنوز روشن نیست، اما یک چیز روشن است این قتل و جنایات در تاریخ نه به اسم همسر فرزانه و نه به اسم مردانی که مرتکب این جنایات شده اند بلکه به اسم جمهوری اسلامی به اسم قوانین ضد زن این رژیم و به اسم زن ستیزی سیستماتیک در این حاکمیت ثبت خواهد کرد.

خانواده های زیادی پس از کشته شدن دخترانشان شاکی پرونده های این قتل ها بوده اند اما زمان زیادی نمیگذرد که با احکامی از قبیل اختلافات خانوادگی، جنون آبی و مهملاتی از این دست روبرو شده و پرونده بایگانی میشود، صورت مسئله پاک میشود، اما چرخه خشونت در حرکت است و باز هم قربانی میگیرد و باز هم زنان در لیست قربانیان ثبت میشوند.

محمد علی نجفی شهردار سابق تهران که زنش را با شلیک چندین گلوله به قتل رساند همین چند روز پیش در همایش ادوار شهرداران در تهران با بقیه دولتمداران دزد و آدمکش عکس یادگاری گرفت و در رسانه ها هم به چاپ رسید.

طنز تلخ تاریخ اینجاست که تا جمهوری اسلامی بر سر کار است و تا زن ستیزی و خشونت علیه زنان با حمایت قانون همراه میشود اسمی از زانی که قربانی خشونت شده اند برده نمیشود، هدف زدودن این جنایات از اذهان عمومی و موجه جلوه دادن این فجایع است. قاتلین آن زنان اما با گردن برافراشته در مناسبتهای مختلف در صحن علنی جامعه ظاهر میشوند و خودی نشان می دهند.

در طی این سالها و خصوصاً بعد از جنبش انقلابی ۱۴۰۱ تعرضات و مقاومتی که جنبش آزادی زن در ایران در مقابل خشونت و بی حقوقی نهادینه در قانون و در خانواده از خود نشان داده بی نظیر است. تن ندادن و تسلیم نشدن صفی معترض و آگاه به حقوق خود، در مقابل یک حکومت زن ستیز و مبتنی بر آپارتاید جنسی قابل تقدیر است، اما این جنبش هنوز راه درازی در پیش دارد تا بتواند میخ آزادی زن را بر قوانین و نگاه متحجر و ضد زن موجود بزند. برداشتن حجاب و آزادی پوشش اختیاری یکی از قدمهای بسیار مهم و اولیه است، جمهوری اسلامی بابت همین یک قلم دچار تنش و تشنگ جدی در درون حلقه حاکمیت شده و پای درگل مانده.

اما این هنوز ابتدای راه است، هنوز به تلاش هرکولی برای ایجاد تشکل و ظرف مناسب در این مبارزه نیاز است تا با قدرت جمعی و با برنامه معین و مشخص به جنگ قوانین، سنتها و ارزشهای منسوخ و ضد ارزش حاکم در جامعه رفت. باید بتوانیم قدمهای جدیتری را برداریم باید امر تشکل در این عرصه به مثابه مهمترین گام در رهایی زن در دستور پیشروان و فعالین زن قرار بگیرد و عملی شود. کشتن و قتل هر ۲ روز یک زن باید ناقوسی برای بیداری نهایی در یک جامعه ۸۰ میلیونی باشد. در این پرونده ها خواست محکومیت قاتلین طبعاً بخش مهمی از این

باید بمیری! زن دختر زانمیخواهم

ملکه عزتی

سالهاست قتل زنان به بهانه های واهی به بهانه سرپیچی از فرامین مردسالار و قوانین ضد زن و بعضاً بدون هیچ دلیلی به امری عادی و روزمره تبدیل شده. این درجه از خشونت، این درجه از سببیت و بیرحمی تنها هم مختص به جامعه ایران یا حتی کشورهای اسلام زده نیست، در همه جای این جهان پهناور زنان در صدر قربانیان خشونت، فرهنگ و مناسبات عقب مانده، عدم وجود قوانین حمایتی و بی حقوقی آشکار و پنهان در جامعه و در خانواده هستند. در کشورهایی که درجه ای از مدنیت و اجرای قانون جاری است این چرخه زشت خشونت مورد پیگرد قرار میگیرد اما در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی و بسیاری از کشورهای منطقه نه پیگردی هست و نه کسی بجرم این نوع جنایات مجازات میشود! کافی است مدعی شوند زن ناموس و شرف خانواده را به حراج گذاشته. ماجرای سروصدا و با سکوتی مرگبار بعد از چند مدت به فراموشی سپرده میشود. همچنانکه امروز نامی از رومیناها، کانی ها، موناها و بسیاری دیگر شنیده نمیشود. پدر رومینا به ۹ سال حبس محکوم شد و همسر و قاتل مونا هم متحمل جزای عجیبی نشد.

خشونت نهادینه تنها مختص به قتل و آزار زنان هم نیست، در همین هفته شاهد آزار و شکنجه فیزیکی از طرف معلمی بودیم که شاگردانش را به فجیع ترین وضع ممکن با شلاق و کمر بند کتک میزند و این کودکان بیگناه حتی جرات اینکه این جنایت را با کسی مطرح کنند، نداشتند تا والدین بدن آش و لاش شده فرزندانشان را هنگام تعویض لباس ببینند!

در یک بررسی آماری در سه ماه گذشته هر دو روز یکبار یک زن به قتل رسیده. دلایل همان آواز ناموزون ناموس و غیرت است. اما در هفته گذشته یک قتل در کرمانشاه بر صدر اخبار این جنایات قرار گرفته، مردی همسر باردارش را به قتل میرساند چون جنسیت جنین دوقلو دختر بوده! این عقل معیوب حاکم بر یک جامعه و این چرخه خشونت و ضدیت با زنان تا کجا دامنه پیدا میکند و از چه پتانسیلی برای جنایت و کشتار برخوردار است؟ فرزانه زنی ۳۰ ساله ساکن یکی از روستاهای اطراف کرمانشاه مادر ۲ دختر و حامله با دو دختر بدست شوهرش به قتل میرسد زیرا که این مرد نه دختر میخواست و نه زن دختر زان!

این جنایت نه یک امر خانوادگی، نه جنون آبی و نه یک "اتفاق" شخصی است. این جنایت نمونه عریانی از خشونت ساختاری در پناه قانون، دین و سنن عصر حجری و عقبمانده در جامعه ای است که زن بودن جرم است، زن زاییدن جرمی بزرگتر، اگر هم زایید مبادا دختر بزاید که تاوان "دختر زایی" مرگ است. در هندوستان در میان مردم محروم و کاست هایی که هر عضو نهاد خانواده باید جان بکند و در امر گذران و تامین معیشت بغایت فقیرانه مسئولیت قبول کند دختر زاییدن جرم است چرا که در این امر نمیتواند سهم باشد و هزینه ای هم به خانواده تحمیل میکند! بر اساس تعداد نوزادان دختر که در میان زباله ها در حاشیه کلان شهرها پیدا میشوند شرم را باید از نو معنا کرد. شرم عمومی شرم جامعه شرم فرهنگ و سنی که هنوز قادر



اما امروز و در عصربحرانهای سهمگینی که سرمایه داری به آن دچار شده است، بشریت بیش از هر زمان دیگر در منجالب سرمایه داری گرفتار شده است. بیکاری، فقر، گرسنگی، رقابت، جنگ قومی و ترور، بیش از ۲۰۰ میلیون کودک کار که روزانه برای سرمایه داری سود تولید می کنند، همه و همه آسایش را از میلیاردها انسان سلب کرده است. نقش و رسالت و جایگاه طبقه کارگر برای پایان دادن به این جهنم دست ساز سرمایه، هنوز تنها راه چاره و نور امید بشریت برای رستگاری از حاکمیت ضد بشری سرمایه داری است. سرمایه داری هیچ راه حل و جوابی برای بحران کنونی و تناقضات خود ندارد. رسالت نجات بشریت همچنان در دست طبقه کارگر و افق سوسیالیستی آن است.

با وجود توحش و تعرض سرمایه داری، اما هنوز طبقه کارگر جهانی در بسیاری از نقاط جهان در روز اول ماه مه علیه نظم سرمایه می خروشد. سرمایه هنوز از کارگران و تحرک و اعتصاب آنان در اول ماه می ترسد. اول ماه هر سال کارگران در بسیاری از شهرهای بزرگ از کره جنوبی استانبول و برلین تا نیویورک و پاریس، علیرغم آماده باش نیروهای سرکوبگر در مارش خیابانی خود علیه وضع موجود و ظهور فاشیسم و تهدید جنگ و قتل عام مردم بیگناه فلسطین به اعتراض خواهند پرداخت.

اما سابقه اول ماه و حضور طبقه کارگر ایران هم هر چند با افت و خیز بسیاری همراه بوده است، بیش از یک قرن قدمت دارد. سال ۱۲۹۹ به فراخوان اتحادیه چاپ خانه های تهران اول ماه علنی جشن گرفته شد. یک سال بعد از آن هزاران کارگر در اول ماه خواستار کاهش ساعت کار به ۸ ساعت در روز شدند. از سال ۱۳۰۴ رژیم رضا شاه با برگزاری اول ماه مخالفت کرد. با اینحال هر سال به شیوه مخفی و نیمه علنی کارگران از طریق اتحادیه های کارگری روز جهانی کارگر را گرامی می داشتند. در یکی از این مراسمها در سال ۱۳۰۷ که بدعوت حزب کمونیست برپا شده بود، ۱۰۰ نفر از کارگران نساجی، چاپخانه و کفایشی دستگیر شدند. سال ۱۳۰۸ اتحادیه کارگران نفت جنوب برای روز ۱۱ اردیبهشت وبا مطالبه افزایش دستمزد، آزادی تشکل و تعطیلی روز کارگر اعتصابی رافراخوان داد که در آن حدود ده هزار کارگر شرکت کردند. در این سال تشکل های کارگری دوباره شکل گرفتند و اعتصاب کارگران صنعتی در خوزستان به زد و خورد با نیروهای نظامی انجامید. خواسته های این اعتصاب، آزادی دستگیر شدگان، افزایش دستمزد، مرخصی با حقوق، مسکن و به رسمیت شناختن تشکل های کارگری بود. در سال ۱۳۱۰ کارگران نساجی وطن در اصفهان در اعتراض به قرارداد تحمیلی اعلام کردند از روز ۵ اردیبهشت اعتصاب خواهند کرد.

این اعتصاب که خواست های ۹ ساعت کار، توقف تفتیش و توهین به کارگران، غذاخوری، ۲۰ درصد افزایش، یک ساعت استراحت را نیز مطالبه کرده بود با موفقیت و تحقق خواسته کارگران به پایان رسید. مراسمهای اول ماه در این سالها بطور پراکنده تا سال ۱۳۲۰ و باز شدن فضای سیاسی ادامه پیدا کرد.

سال ۱۳۲۰ روز کارگر تعطیل رسمی بود. ۱۳۲۳ دهها هزار کارگر در شهرهای مختلف اول ماه مه را گرامی داشتند. سال ۱۳۲۴ مارش اول ماه برای آزادی بیان، تساوی دستمزد زن و مرد، و بیمه بیکاری

تا کارگر هست اول ماه زنده است، زنده باد اول ماه روز جهانی کارگر

همایون گدازگر

از زمانی که پلیس شیکاگو اعتصاب شکوهمند ۳۵۰ هزار کارگر این شهر را برای روز کار هشت ساعته به گلوله بست، حدود ۱۴۰ سال می گذرد. از آن زمان تاکنون مبارزه پرولتاریای جهانی علیه سرمایه و به تبع آن گرامی داشت اول ماه دچار افت و خیز فراوان شده است. اما یک حقیقت تا به امروز پا برجا و استوار مانده است، حقیقتی که «فویر انگل» کارگر اعتصابی و محکوم به اعدام در بیدگاه بورژوازی در شیکاگو آن را فریاد زد. او گفت «صدای کارگر خفه شدنی نیست». و او حق داشت. زیرا از همان روزها موج همبستگی کارگری از تمام دنیا به پشتیبانی از کارگر مبارز شیکاگو برخاست.

سه سال بعد از آن در سال ۱۸۸۹، مجمع مؤسس کنگره اتحادیه بین المللی کارگران در پاریس با پیشنهاد کارگری به نام بوش، رزم کارگران دلیر شیکاگو را بعنوان روز جهانی همبستگی کارگری تصویب و به این وسیله روز اول ماه در پهنای گیتی روز اعتراض متحدانه طبقه جهانی کارگر علیه استثمار و قضاوت بورژوازی متولد شد. بلافاصله و سال بعد از آن (۱۸۹۰) سراسر جهان در اول ماه شاهد تظاهرات با شکوه کارگران با خواست هشت ساعت کار روزانه بود.

در این سال علیرغم مخالفت کارفرمایان در آلمان، اعتصاب فلج کننده شهرهای روستوک، هامبورگ، کلن و فرنکفورت را فراگرفت، شهر هامبورگ در ۱۵ روز اول ماه مه در اعتصاب فرو رفت. در همین سال دروین ۱۵۰ هزار کارگر از روز اول ماه به اعتصاب عمومی به استقبال روز جهانی خود رفتند. در بوداپست ۳۰ هزار کارگر با وجود ممنوعیت اعتصاب دست از کار کشیدند. در هاید پارک لندن تجمع چندهزار نفری کارگران برپا شد. در بلژیک دهها هزار نفر به مارش خیابانی پرداختند و در ایتالیا کارگران شهر رم را به تعطیلی کشاندند. در استکهلم، نیویورک و شیکاگو و کوبا دهها هزار کارگر دست به اعتصاب زدند. در همین سال بورژوازی فرانسه ۳۴ هزار سرباز برای مقابله با کارگران بسیج کرد.

اگرچه سال بعد از آن، سال ۱۸۹۱ نیروهای انتظامی سرمایه اعتصاب و تظاهرات کارگران فرانسه را به خاک و خون کشیدند، اما از آن بعد کارگران در مهمترین کشورهای سرمایه داری توانستند اول ماه را بعنوان روز جهانی کارگر جا بیندازند. با همبستگی بین المللی کیفرخواست خود را علیه کارمزدی و علیه نفاق و تفرقه افکنی سرمایه داری، علیه بنیادهای نظم ظالمانه استثمارگر آن به جهانیان بشناسانند.

اما علیرغم همه این جانفشانی ها طبقه کارگر جهانی پس از شکست انقلاب اکبر و بخصوص هجوم و سرکوب سرمایه داری جهانی به دستاوردهای آن، متحمل عقب نشینی های بزرگی در همه عرصه ها شد. این روند بر روی اول ماه مه، روز جهانی کارگر هم تاثیر گذاشت. توانستند خصلت ضد سرمایه داری را از اول ماه بگیرند. هژمونی سوسیال دمکراسی و به انحراف کشاندن آن بعنوان روز تولید ملی و رقابت کالای خودی در دهه های قبل، اول ماه مه را از مضمون طبقاتی و ضد سرمایه داری آن تهی کرده بود.

تا کارگر هست اول مه زنده است، زنده باد اول مه روز جهانی کارگر

همایون گدازگر

کارگران به میدان آمدند. ۱۳۲۵ تظاهرات شکوهمند ۸۰ هزار کارگر در خوزستان اوج گرامی داشت روز همبستگی جهانی کارگران در جنبش کارگری ایران بود. هرچند در سال های بعد مراسمهای اول مه در شهرها و مراکز بزرگ کارگری برپایی شدند، اما از سالهای ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ با استقرار حکومت نظامی و کودتای ۲۸ مرداد دوباره دوران سرکوب جنبش کارگری و افول گرامی داشت اول مه به طبقه کارگر تحمیل شد.

از سال ۳۲ تا ۵۲ هر تحرک کارگری و مراسمی ممنوع بود. از سال ۵۲ بعد سندیکاهای فرمایشی دولتی برای ستایش از سلطنت و شاه ایجاد شدند که هیچوقت نتوانستند رونق بگیرند و کارگران با آنها بیگانه بودند. انقلاب ۵۷ و سرنگونی رژیم سلطنتی فرصتی بود برای احیای دوباره سنت اول مه. در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ صدها هزار نفر از کارگران و آزدیخواهان در مارش اول مه در بیشتر شهرهای ایران شرکت کردند. علیرغم وجود تظاهرات دولتی اما بیش از صد هزار نفر در تهران بطور مستقل اول مه را گرامی داشتند. با استقرار رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی و سرکوب اعتراضات کارگری، روز جهانی کارگر در اثر سیاستهای فریبکارانه و تفرقه افکنانه جمهوری اسلامی یکبار دیگر به محاق رفت. یک روز به بهانه تحریم و دفاع از تولید ملی و یا با رنگ مذهبی زدن به اول مه آن را از ماهیت اعتراضی و ضد سرمایه داری تهی کردند.

با وجود حاکمیت ضد کارگر و سرکوبگر جمهوری اسلامی اما کارگران و رهبران آن همواره برای خودنمایی در اول مه کوشیده اند. این تلاشها اما در کردستان که در آن یک جنبش چپ و انقلابی علیه جمهوری اسلامی همواره وجود داشته است از مضمون و گستردگی بیشتری برخوردار بود.

از سال ۵۷ تا اواخر دهه شصت هر سال روز جهانی کارگر در شهرهای کردستان گرامی داشته شده است و کارگران و مردم آزدیخواه با طرح مطالبات کارگری و نشان دادن همبستگی با بخشهای دیگر طبقه کارگر، کارگران را به انسجام و تلاش برای ایجاد تشکل های کارگری فرامی خواندند. این مراسمها به تناوب در شهرهای سنندج، مهاباد، بوکان، مریوان، کامیاران و آشنویه برپا گردیدند. در این سالها شهر سنندج بعزت وجود تشکل های کارگری مرکز برگزاری این مراسمها بود که اغلب بطور علنی برگزار می شد. اول مه ۱۳۶۶ اوج گرامی داشت اول مه در شهر سنندج بود، کارگران که اجازه تقاضای اجازه آنها برای برپایی مراسم با مخالفت مقامات دولتی روبرو شده بود، خودشان مستقلا در پاساژ عزتی اقدام به برگزاری این مراسم کردند. این مراسم که هیئت برگزارکننده آن را سازمان داده بود، چندین سخنران داشت که در سخنان خود به اهمیت اول مه و همچنین طرح مطالبات کارگران پرداختند. در این مراسم همچنین قطعنامه ای حاوی مطالبات کارگری به تصویب رسید.

جمهوری اسلامی که تا آن زمان نتوانسته بود به تمامی مانع برگزاری مراسمهای اول مه در کردستان بشود، با اعدام جنایتکارانه جمال

چراغ ویسی کارگر اداره آب و سخنران مراسم ۱۱ اردیبهشت سال ۶۸ کارگران و فعالین کارگری را مرعوب کرد و از آن زمان بعد گرامی داشت اول مه در کردستان با شیوه های دیگر از جمله در گلگشت ها برگزار می شد.

سخن کوتاه، امسال در شرایطی به استقبال اول ماه مه می رویم که اوضاع سیاسی جامعه ایران یکی دگرگون شده است. جمهوری اسلامی پس از ۴۶ سال تحمیل فقر و گرانی و سرکوب، تفرقه و بیکاری، هیچ راه حلی برای بیرون آمدن از بحران های چندگانه خود را ندارد. در مقابل توده های میلیونی جامعه عزم خود را برای سرنگونی جمهوری اسلامی جزم کرده اند. طوفانی از اعتراضات اجتماعی بر سر راه جمهوری اسلامی در کمین نشسته اند. بیش از ۱۵۰۰ اعتراض و اعتصاب کارگری در سال گذشته فقط پیش درآمد کشمکش های آتی علیه جمهوری اسلامی است. همه این شرایط جمهوری اسلامی را در حالت ضعیف تر از هر زمان قرار داده است و توازن قوا بنفع طبقه کارگر و جبهه آزادیخواهی و سرنگونی طلبی تغییر کرده است. درچنین شرایطی استقبال گرم و انقلابی از ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ میسر است. فعالین کارگری و رهبران پیشرو جنبش سوسیالیستی باید تمام توان خود را برای گرامی داشت این روز جهانی و کیفرخواست علیه حاکمیت سرمایه داری بکار گیرند. در شهر و محله و هر جا که ممکن است با برپایی تجمعات و سخنرانی در مورد اول مه و اتحاد کارگری، علیه فقر و گرانی و فضای جنگی و برای آزادی زندانیان سیاسی بکوشند.

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر

۱۷ آوریل ۲۰۲۴

کارگران جهان متحد شوید!

در اول مه نه شاهی تاجگذاری کرده است، نه مذهبی آمده است، و نه "ملت" درست شده است! اول مه روز یک طبقه جهانی، روز یک جنبش بین المللی کارگری است که برای تغییر ریشه ای جهان، برای انقلاب کمونیستی مبارزه میکند!

اول مه روز صاحبان واقعی جهان است! روز بشریتی است که جهان بدون کار او نمیتواند سرپا بماند! روزی است که اسپارتاکوس های این جنبش، رهبران کمونیست و سوسیالیست کارگران، اعلام میکنند: برای رهایی جامعه راهی جز انقلاب کارگری، انقلاب بردگان مزدی، علیه سیستم بردگی مزدی وجود ندارد!

زنده باد اول مه!

زنده باد انترناسیونالیسم کارگری!

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیت

آوریل ۲۰۲۵

www.hckmatist.org

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



این است که حملات شیمیایی سازمان داده شده به مدارس را در خیزش انقلابی ۱۴۰۱ همین رژیم خدایرست از ترس ادامه اعتراض دانش آموزان برای بهبود در روش آموزشی، در دستور گذاشت.

حکومتی که از نان سفره مردم فقیر و کودکان کار میدزدد، خود بانی اصلی خشونت است. کودکانی که روزانه در مقابل چشمان قانون در خانه و خیابان مورد بیشترین خشونت و آزار قرار میگیرند، مگر با دانش آموزان کرجو فرقی دارند؟ آیا کودکی در ایران وجود دارد که کلمه اعدام را نشنیده باشد؟ کدام ده و روستا و شهر در ایران از پدیده ی اعدام برحذر مانده است، لطفا نام ببرید.

کمتر روزی است که در زندان‌ها عده ای سرشان بالای دار نرود؟ اتاقهای شکنجه زندانها از رگ گردن به مردم نزدیکتر است. اعمال خشونت، اسم دیگر رژیم اسلامی است. معلوم است که خشونت در چنین جامعه ای نهادینه میشود و بر مردم و مناسباتش تاثیر میگذارد. خشونت سرچشمه بیگانگی انسان نسبت به انسان و انسانیت است. زمانی که حرمت و کرامت انسانی پشیزی ارزش ندارد چگونه میتوان از چنین معلمی که باخشونت با دانش آموزان بی دفاع روبرو میشود، انتظار داشت که حرمت انسان کودک را مقدم بدارد.

یاد بگیرند که انسان مقدس است و کودک آزاری یکی از شنیع ترین اعمال جامعه انسانی است. راه پایان دادن به آزار و شکنجه کودکان، فقر کودکان، خشونت جنسی، پایان دادن به عمر چنین رژیمی است. باید جامعه ای ساخت که انسان و حرمت او حرف اول و آخر را بزنند. دولتها موظفند که رفاه و شادی کودکان را مستقل از خانواده تضمین کنند. ممنوعیت کار کودکان، تنبیه بدنی از طرف هر شخصی باید در اولین قدمها اجرا گردد و کودکی شاد و رشد بالندگی آنها ضمانت کند.

جز این راه دیگری نیست.

17 آوریل 2025

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده

<https://alternative-shorai.tv/>

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

فاصله اتاق شکنجه در زندان تا کلاس درس

فقط چند وجب هست!

پروین کابلی

تصاویر پخش شده در میدیای اجتماعی از کودکان دانش آموز شکنجه شده در مدرسه روستای کرجو از توابع سنندج را که دیدم، اولین جمله ای که بی اختیار از مغزم گذشت چند کلمه “چطور دلت آمد؟ کودکان بدنشان از برگ گل نازک تر است” بود. تصاویری وحشتناکی بودند. بدتر از شکنجه گاه های زندانهای اوین، قزل حصار و حتی اتاق شکنجه زندان سنندج.

چگونه معلمی بخاطر شارژ تلفنی بی ارزش می تواند اینگونه کودکان را شکنجه کند؟ این قساوت از کجا می آید؟

پروسه و روال کار معلوم است. بعد از شکایت والدین، ادارت دولتی تعقیب معلم مذکور را در دستور کار خود قرار دادند. پلیس و اداره آگاهی با تمام نیروی انتظامی وارد شدند و خاطی بلافاصله دستگیر شد و به بارگاه قانون تحویل داده شد.

اما سوال اصلی هنوز بی جواب باقیمانده است. مسئولیت این سوال “چرا چنین خشونتی اساسا اتفاق می افتد؟” در پس این صحنه غم انگیز چه چیزی در جریان است؟ چرا معلمی برای گم شدن یک شارژ تا حد جنون پیش میرود و دست به اعمال خشونت علیه دانش آموزان می زند؟ خاطی اصلی کیست؟

دستگیری و محاکمه معلم خاطی حتما میتواند جوابی به مردم خشمگین باشد. اما پایان کار نیست. این جامعه با سوال بزرگتری روبرو است. سوال این است که منشا این همه خشونت چیست؟ چرا کودک در کلاس درسی که قرار است امن تر از حتی خانه اش باشد چنین مورد حمله و آزار قرار میگیرد؟ چرا به کودکان تجاوز می شود و کسی خبردار نمی شود؟ چرا زنان باردار با چاقو تکه تکه میشوند؟ چرا جواب اعتراض جوانان به یک زندگی نرمال، قتل عام در کوچه و خیابان است؟ چرا کارگر معترض مورد ضرب و شتم قرار میگیرد و زندانی می شود؟ چرا زن را با گیسوش به دار میکشند؟ این چراها، صدها چرا دیگر بدنبال دارد.

جامعه متمدن بشری صدها سال است که به این سوال ابتدایی جواب داده است که انسان موجودی اجتماعی است و پدیده های اجتماعی در او تاثیر می گذارند و او را شکل میدهند. اگر این را فرض بگیریم، پس باید خشونت را بعنوان پدیده ای اجتماعی که بر انسان و شخصیت او تاثیر میگذارد دید. از این دریچه دیدن انسان بیشتر قابل رویت می شود. آنوقت عمل معلم روستای کرجو در چنین معادله ای بهتر قابل توضیح میشود.

در جامعه ی کنونی ایران خشونت و تجاوز به حقوق و حرمت شخصی کودکان و بزرگسالان امری قانونی و بنیادی را تشکیل می دهد. رژیم ایران از بنیاد و اساس با خشونت، تبلیغ آن و نهادینه نمودن آن بعنوان ابزار سرکوب مردم خاطی عمل نموده است. مگر نه این است که این حکومت با کشتار و قتل عام هزاران انسان بیگناه اما معتقد به تغییر برای زندگی بهتر، به تخت و تاج دست یافت؟ مگر نه

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!



محل های کار و خانواده های کارگری آنها و همه انسانهای متحد کارگران در این روز و در محلی در سطح شهر میتوانند اجتماع کنند و مراسم روز کارگر را برگزار کنند. تصمیم مشخص و چند و چون چنین اقدامی با در نظر گرفتن تناسب قوا و شرایط امنیتی توسط رهبران و فعالین کارگری در محل تعیین میشود.

۳- واضح است، مراسمهای دولتی و شوراهای اسلامی و خانه کارگر از طرف کارگران تحریم میشود. ترفند و ریاکاری جنبش ها و احزاب بورژوازی ضد کارگر در اپوزیسیون راست و "کارگر پناهی" ریاکارانه آنها در برخورد به اول مه را باید از هم اکنون افشاء کرد.

۴- در پروسه تدارک اول ماه مه و روز اول ماه مه به ویژه لازمست تا وسیعاً آزادی کارگران زندانی را خواستار شد. همه جا لیست و نام کارگران زندانی لازمست برجسته شود.

۵- در روز کارگر جنبشهای معترض و رادیکال جامعه، همه فعالین سیاسی، زنان و جوانان و تشکلهای آنها را فرا میخوانیم تا در روز اول ماه مه همراه با کارگران این روز را بهر شکلی که مناسب میدانند برگزار کنند.

۶- در سطح بین المللی نیروهای چپ و کمونیست و کمیته ها و نهادهای متعددی که دفاع از حقوق کارگران ایران را وظیفه خود میدانند، فعالیتهای خود را در گرامیداشت اول مه، در همبستگی با طبقه کارگر جهانی و کشورهایی که در آن حضور دارند، لازمست گسترش دهند.

فرصت کوتاه باقیمانده را نباید از دست داد. به امید گرامیداشت هرچه بهتر و موثر اول مه، روز جهانی کارگر.

هفدهم آوریل ۲۰۲۵

زنده باد اول مه!



در تدارک اول مه

(تاکید بر اقدامات ضروری)

رحمان حسین زاده

فرصت زیادی برای تدارک مراسمها و اجتماعات شایسته روز کارگر باقی نیست. شواهد نشان میدهد در میان کارگران و فعالین کارگری و نهادهای کارگری تحرک و جنب و جوش برای گرامیداشت این روز در دستور کار است. در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی موانع زیاد و شناخته شده است. در نتیجه تاکنون هرکاری کردیم، باید متوجه بود و در فرصت محدود باقیمانده بیشترین ابتکارات را در راستای گرامیداشت این روز به کار بست. آستینها را بالا بزنیم و کمبودهای احتمالی کار تاکنونی را جبران کنیم. تجارب گذشته و همفکریها و همگامیهای کنونی میتواند بسرعت، اقدامات سیاسی و عملی لازم را روی غلطک بیندازد. اما عامل تعیین کننده آن وجود شبکه همبسته رهبران و فعالین کارگری در سطح هر شهر و در سراسر کشور است. چنین شبکه ای از رهبران و فعالین کارگری با حمایت کارگران نهادهای کارگری مستقل موجود و حمایت کارگران مراکز کارگری میتواند مبتکر فعالیتهای موثر در دو هفته آینده باشند. لازمست اقدامات ردیف شود و گروههای کاری فعالیت جدی را ادامه دهند. در این راستا بر چند اقدام مهم باید تاکید گذاشت.

۱- ادعای کارگری امسال در اول مه را در قالب بیانیه و قطعنامه باید آماده کرد. بربریت کاپیتالیستی جاری را باید به نقد کشید. تعرض سبانه و همه جانبه این نظم ضد انسانی را به همه ابعاد زندگی طبقه کارگر و بشریت را به مصاف طلبید. نسل کشی شنیع و وسیع مردم فلسطین توسط فاشیسم حاکم بر اسرائیل تحت حمایت هیئت حاکمه امپریالیستی را بیش از پیش رسوا کرد. طبقه کارگر ایران را به حضور فعال در همبستگی بین المللی کارگری فراخواند. در ایران، طبقه کارگر را به بیشترین اتحاد و همبستگی علیه جمهوری اسلامی و ترفندهای هیئت حاکمه فراخواند. مشخصاً تاکید بر ایجاد سنگربندی محکم و سازمانیافته و خودآگاه کارگری علیه "حداقل دستمزد" تعیین شده، علیه فقر و گرانی و علیه سیاست انتظارتحمیلی به بهانه "فشار حداکثری و فضای جنگی و یا مذاکره و معامله با آمریکا" بسیار لازمست. خطر بودن تحولات سیاسی جاری را باید یادآور شد. ضرورت بالا بردن آمادگی سیاسی و عملی طبقه کارگر و پیشروان سوسیالیست کارگری را برای ایفای نقش هدایت گرو رهبری در تحولات جاری و آتی را تاکید کرد. خواسته های فوری چون افزایش دستمزدها، پرداخت بیدرنگ دستمزدهای معوقه، بیمه بیکاری مکفی، حق اعتصاب و تشکل، آزادی فوری زندانیان سیاسی و علیه اعدام، قاعدتاً بخش مهم بیانیه و قطعنامه های اول مه خواهد بود.

۲- اول مه، تنها روز به رسمیت شناخته شده ما کارگران در سراسر جهان است. به دور از دخالت دولت و نهادهای ضد کارگری، جشن و مراسم کارگری را محقیم برگزار کنیم. نقطه عزیمت ما برپایی اجتماعات بزرگ و علنی کارگران و خانواده های کارگری و همه انسانهایی است که در این روز در کنار کارگران در سطح شهر صف می بندند. درست مثل بخش اعظم کشورهای امروز دنیا محقیم در سطح شهر و در مکانی که کارگران خود تعیین میکنند، جشن و مراسم روز کارگر را برگزار کنیم. همزمان باید تاکید کرد کار و کارخانه و محل کار تعطیل است. روز اول مه روز همبستگی کارگری به دور از هر نوع تفرقه، از جمله تفرقه شغلی و صنفی، ملی و مذهبی و جنسیتی است. کارگران همه رشته ها و

اعدام قتل عمد دولتی است!



شرم آور است بلکه نشان می‌دهد بی ربط و در هیچ کجای جنبش‌های اجتماعی از جمله معلمان و فرهنگیان مبارز قرار ندارد.

مسئله خشونت و تعرض بر دانش‌آموزان همانند فلاکت‌های طبقاتی، فقر، ترویج و تحمیل ایدئولوژی اسلامی همگی محصول سیستم سرمایه‌داری هار اسلامی حاکم‌اند. حکومت اسلامی از سطح خانواده تا مدارس و دانشگاه همواره کوشیده تا از طریق ترور

مغزی کودکان، تحمیل عقاید پوسیده اسلامی، تبعیضات جنسی، عقیدتی و سیاسی و تعرض ویژه به دختران و زنان در سیستم آموزشی و ترویج تجاوز به دختران زیر سن تحت عنوان ازدواج، پدوفیل اسلامی را ترویج می‌دهد. اما تمامی این تلاش‌ها یا شکست خورده و یا با بیزاری و انزجار جامعه روبرو شده است.

در رابطه با خشونت به دانش‌آموزان و اعمال آن توسط معلمان مریض و مذهبی وابسته به رژیم در مدارس محکوم کردن کافی نیست، بلکه باید با مبارزه علیه این خشونت و افشای عاملین اصلی آن یعنی حکومت اسلامی همراه باشد و این مبارزه را با افشای تمامی سیاست‌های ایدئولوژیک و دستورالعمل‌های ضد انسانی رژیم در سطح مدارس گسترش داد.

این مبارزه نه تنها از وظایف تشکلهای مستقل معلمان است که تا تاکنون پیش رفته و برای آن هزینه سنگینی داده اند، بلکه باید از حمایت سایر جنبشهای اجتماعی برای حمایت از دانش‌آموزان بر خوردار باشد.

ما می‌دانیم که تنها با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی با دخالت فعال جنبش کارگری و هبران و فعالین سوسیالیستی طبقه کارگر و همراهی سایر جنبشهای اجتماعی و برقراری حکومتی سوسیالیستی است که دیگر شاهد هیچ گونه تبعیض، نابرابری، تعرض و خشونت در مدارس و در جامعه نباشیم. با سرنگونی جمهوری اسلامی باید هر نوع آزار و شکنجه را ممنوع و شادی و رفاه و امنیت کودکان را خارج از خانواده تامین و تضمین کرد.

۲۸ فروردین ۱۴۰۴



درباره شکنجه و تعرض به دانش‌آموزان در مدارس

امیر عسگری

متأسفانه شاهد تعرض به دانش‌آموزان در نمازخانه مدرسه ای در شهر ری و شکنجه دانش‌آموزان در روستایی در سمنان و تعدادی گزارش دیگر از تعرض و خشونت اعمال شده توسط تعدادی از به اصطلاح معلمان علیه دانش‌آموزان بودیم.

در این رابطه شاهد عکس‌العمل‌های مختلف و محکوم کردن این اقدامات ضد انسانی از سوی شورای هماهنگی فرهنگیان ایران، کانون‌های صنفی، فعالین معلم مستقل و جامعه آزادیخواه در داخل و خارج کشور بودیم.

مسئله تعرض و اعمال خشونت تا حد شکنجه دانش‌آموزان توسط تعدادی از کادرهای آموزشی در مدارس از سوی رسانه‌های مختلف پرداخته شده است. آنچه بیشتر به چشم می‌خورد و قابل توجه است، مواضع چند رسانه حکومت و راست اپوزیسیون بخصوص دو رسانه تسنیم و ایران اینترنشنال است.

تسنیم به کمتر شدن خشونت در سال‌های اخیر اشاره داشته و به نوعی فضای آموزشی را، فضایی پر التهاب تصویر کرده و طبیعتاً اشاره نکرده است که عامل اصلی وجود شکنجه در امر آموزش محصول حکومتی است که خود عامل اصلی شکنجه و خشونت در جامعه است، برای آن تبلیغ می‌کند و از عاملان خشونت حمایت می‌کند!!!

ایران اینترنشنال اما قضیه را اینگونه فرموله می‌کند که معلمان از فضای سرکوب در جامعه که حکومت اسلامی در خیابان به تصویر می‌کشد تأثیر می‌پذیرند و دانش‌آموزان را کتک می‌زنند!!!

تسنیم قطعاً نمی‌خواهد از سیاست‌های جمهوری اسلامی بعنوان عامل اصلی تشویق خشونت علیه دختران به هر بهانه‌ای، از خشونت جنسی، تا تجاوز جنسی به دختران زیر سن تحت عنوان قانون شریعه در ازدواج در مدارس تبلیغ می‌کند چیزی بر زبان بیاورند.

رسانه‌های حکومت اسلامی قطعاً نمی‌خواهند اصل ماجرا را بازگو کنند، که از طریق اعمال قانون‌های نانوخته در سیستم آموزشی کشور، سالیان طولانی است که مدارس با اعمال خشونت سیستماتیک، از تحمیل دروس خرافات اسلامی، تا نحوه پوشش اسلامی و اجباری و خشونت سازمانیافته علیه دانش‌آموزان روبرو است. نمی‌خواهند بگویند که انواع اندیشه‌های پوسیده اسلامی دانش‌آموزان دختر و پسر را زیر ضرب خود برده و عاملین اعمال خشونت بر دانش‌آموزان مورد تشویق و پاداش نیز قرار می‌گیرند، زیرا به دستورالعمل حکومت اسلامی در امر آموزش عمل می‌کنند.

اما رسانه ایران اینترنشنال از سر پوپولیسم و نامربوط بودن به معلمان، نمی‌داند وقتی می‌گوید معلم از سرکوب حکومت اسلامی تأثیر می‌گیرد، اکثریت بدنه مبارز معلمان را که در برابر تبعیض، آپارتاید جنسی، پولی سازی مدارس و اعمال خشونت به دانش‌آموزان همواره مبارزه و اعتراض از خود نشان داده اند و به این دلیل خیلی از این معلمان مبارز سال‌ها عمر خود را در زندان گذراندند را بعنوان عامل حکومت اسلامی معرفی می‌کند. موضع رسانه ایران اینترنشنال نه تنها

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات

اجتماعی

تهیه و تنظیم: حیات الماسی و اوین رضایی

تجمع اعتراضی کارگران رسمی شرکت نفت فلات قاره، منطقه عملیاتی لاوان

روز دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۴ کارگران رسمی نفت ضمن برگزاری تجمع اعتراضی خود اعلام نمودند تا تحقق کامل خواسته هایشان به اعتراضات خود ادامه خواهند داد. خواسته‌های فوری کارگران رسمی در لاوان عبارتند از: - رفع تفکیک مشاغل به تخصصی و پشتیبانی بعنوان عامل ایجاد تفرقه و تحقیر کارگران، حذف کامل سقف حقوق و مزایا در مناطق عملیاتی، - اصلاح کف حقوق برای کارگران جدیدالاستخدام، عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوق های ورشکسته بازنشستگی، - حذف کامل سقف بازنشستگی و پرداخت کامل حق سنوات، مرجوع نمودن مالیاتهای کسر شده بر اساس قوانین رایج موجود، اجرای کامل مفاد ماده ۱۰.

اعتراضات بازنشستگان در یکشنبه های اعتراضی

روز یکشنبه ۲۴ فروردین ماه ۱۴۰۴ کارگران بازنشسته تامین اجتماعی کشور نسبت به سطح نازل حقوق منجمله مصوبه مزدی ضد کارگری شورای عالی کار، وضعیت نامناسب خدمات بیمه درمانی با راهپیمایی و تجمع در شهرهای اهواز، رشت و کرمانشاه مقابل اداره کل تامین اجتماعی در استانهای خوزستان، گیلان، کرمانشاه، شوش مقابل فرمانداری شهرستان و تهران تجمع مشترک بازنشستگان تامین اجتماعی و کشوری مقابل سازمان تامین اجتماعی برگزار کردند. دومین تجمع پیگیر بازنشستگان تامین اجتماعی اهواز- خوزستان مقابل درب اداره کل سازمان تامین اجتماعی برگزار شد و راهپیمایی تا میدان کارگر در اعتراض به غارت حق و حقوق و معیشت خود توسط حاکمان اسلامی و دزدی آشکار کلیه منابع مالی کشور توسط دولتمداران، مجلسیان، مسئولان و حاکمان اسلامی برگزار شد.

اعتراضات بازنشستگان فولاد

روز یکشنبه ۲۴ فروردین ماه ۱۴۰۴ کارگران بازنشسته صنعت فولاد کشور نسبت به سطح نازل حقوق منجمله اجرا نشدن همسان سازی، عدم پرداخت مطالبات معوقه و خدمات درمانی ناکافی با راهپیمایی و تجمع مقابل صندوق بازنشستگی فولاد در شهرهای اصفهان، تهران و قائمشهر با شعارهای «دشمن بازنشسته دولت ورشکسته»، «صندوق پردرآمد چه برسر تو آمد»، «کشور پردرآمد چه برسر تو آمد» و ... اعتراض کردند. شهر اصفهان دوباره صحنه خشم بازنشستگان فولاد و معدن بود. مردمانی که یک عمر زحمت کشیدند، حالا به جای آرامش، با فریاد «دولت ورشکسته، دشمن بازنشسته» خیابان را به لرزه انداختند. بازنشستگان فریاد زدند، فردا شاید همه مردم به خیابان بیایند. این خشم انباشته است... و یک جرقه کافیست.

اعتراض کارگران ارکان ثالث شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران

روز یکشنبه ۲۴ فروردین ماه ۱۴۰۴ تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران نسبت به عدم تبدیل

وضعیت، تبعیض ازجمله پرداخت نشدن حقوق برابرنسبت به کاریکسان و وعده های توخالی مقابل ساختمان دفتر مرکزی با شعارهای «اسمش وزیر کاره حامی پیمانکاره»، «از شعار تا عمل وعده های بی ثمر»، «عدالت عدالت»، «عدالت کجا رفت» و ... دست به اعتراض زدند. در همین روز اعتصاب و تجمع کارگران پالایشگاه بیدبلند بهبهان دراعتراض به سطح نازل حقوق، مالیات زیاد، تبعیض در پرداخت و وعده ها توخالی ادامه یافت.

اعتراضات کادر بهداشت و درمان

روز یکشنبه ۲۴ فروردین ماه ۱۴۰۴ تجمع اعتراضی کادر بهداشتی و بهورزان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه نسبت به سطح نازل حقوق و تبعیض و بی عدالتی برگزار شد. در همین روز جمعی از شرکت کنندگان آزمون کیفیت بخشی وزارت آموزش و پرورش نسبت به نتایج مقابل وزارتخانه برای دومین روز متوالی اعتراض کردند. این صدای اعتراض کسانی است که در سخت ترین شرایط کاری، در خط مقدم سلامت مردم ایستاده اند، اما همچنان باید بار سوءمدیریت و بی کفایتی مسئولان بالادستی را هم بر دوش بکشند. بهورزان معترض می گویند: سال هاست با حداقل امکانات و حقوق، بیشترین وظایف را انجام می دهیم؛ اما تنها چیزی که از دولت می بینیم، بی توجهی، تبعیض، و تحقیر معیشت مان است.

فریاد دانش آموزان لامرد علیه قطعی برق

انش آموزان لامرد نسبت به قطع برق ۲ مدرسه توسط اداره برق با شعار «آموزش ما را قربانی ناکارآمدی نکنید» تجمع اعتراضی برگزار کردند. در گرمای طاقت فرسای لامرد، قطعی های مکرر برق در مدارس دولتی، خشم دانش آموزان را برانگیخته است. دانش آموزان دبیرستان «۱۳ آبان» با تجمع در اداره برق این شهر، اعتراض خود را فریاد زدند: «حق آموزش باکیفیت، نه خاموشی و تحقیر». این قطعی ها، علاوه بر به خطر انداختن سلامت جسمی و روانی دانش آموزان در دمای سوزان منطقه، به نمادی از بی عدالتی آموزشی و سوءمدیریت مسئولان بی کفایت تبدیل شده است.

اعتراض به زمین خواری

جمعی از اهالی نجف آباد مقابل معدن و کارخانه شن و ماسه شوری با شعارهای «نه به زمین خواری»، «نه به کوه خواری»، «نه به مرتع خواری»، «نه به آبخوان خواری» و ... دیت به اعتراض زدند.

اعتراض به بی آبی

صفحه ۱۳

راههای ارتباط با حزب حکمتیست

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.




صالح سرداری ۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲

پروین کابلی ۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰

رحمان حسین زاده ۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹

ملکه عزتی ۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷

www.hekmatist.org

حزب حکمتیست ایران - حکمتیست
Worker communist Party of Iran - Hekmatist

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات

اجتماعی...

اهالی روستای کردر رضوی نسبت به بی آبی شرب مقابل اداره آب و فاضلاب شهرستان میناب دست به تجمع و اعتراض زدند.

اعتراضات کارگران شاغل و بازنشسته در دوشنبه های اعتراضی

روز ۲۵ فروردین ماه ۱۴۰۴ اعتراضات کارگران صنعت نفت نسبت به تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی به تخصصی و پشتیبانی برای ایجاد تفرقه، تعیین سقف حقوق، اصلاح نشدن کفحقوق برای کارکنان جدیدالاستخدام، ادغام صندوق بازنشستگی با سایر صندوق های بازنشستگی، تعیین سقف بازنشستگی و پرداخت نشدن کامل سنوات، اخذ مالیات غیر قانونی و عدم اجرای کامل ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت با تجمع کارگران رسمی شرکت نفت فلات قاره ایران منطقه عملیاتی لاوان با شعارهای «محدودیت پرداخت ملغی باید گردد» و «تفکیک ظالمانه ابطال باید گردد» اعتراض کردند.

اعتراضات بازنشستگان مخابرات

روز ۲۵ فروردین ماه ۱۴۰۴ کارگران بازنشسته مخابرات کشور نسبت به کاهش قدرت خرید، عدم پرداخت مطالبات و قطع خدمات بیمه تکمیلی درمان با برپایی تجمع، راهپیمایی، سردادن شعارها و برافراشتن پلاکاردها مقابل ساختمان مرکزی شرکت مخابرات استان های آذربایجان شرقی در تبریز، اصفهان، کردستان در شهرهای بیجار و سنندج، کرمانشاه دست به تجمع و اعتراض زدند. معترضان، ستاد اجرایی فرمان امام و تعاونی های وابسته به سپاه را به عنوان مالکان پشت پرده مخابرات، مسئول وضعیت اسفبار معیشتی و نقض حقوق قانونی شان دانسته و از ادامه ی سرکوب سیستماتیک عدالت و کرامت بازنشستگان انتقاد کردند. این تجمعات در ادامه موجی از اعتراضات سراسری بازنشستگان مخابرات در سراسر کشور شکل گرفته است؛ اعتراضی علیه فساد ساختاری، بی پاسخی مسئولان و چپاول حقوق نسلی که سال ها به زیرساخت های ارتباطی کشور خدمت کرده است.

- در همین روز بازنشستگان صدا و سیما نسبت به سطح نازل حقوق و عدم پرداخت مطالبات با تجمع مقابل مسجد بلال صداوسیما اعتراضات خود را از سر گرفتند.

اعتراض کامیون داران یزد

روز ۲۵ فروردین ماه ۱۴۰۴ صاحبان کامیون های کمپرسی یزد با شعارهای «تا بارو پس نگیریم آروم نمی نشینیم» و «مسئول بی لیاقت عدالت» تجمع و اعتراض کردند.

اعتراضات دانشجویان

روز ۲۵ فروردین ماه ۱۴۰۴ دانشجویان دانشگاه الزهرا در اعتراض به پیدا شدن مگس و پلاستیک در غذای سلف سرویس از خوردن غذا امتناع کردند. در همین روز بدلیل پیدا شدن کرم در ناهار دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز از گرفتن غذا خودداری کردند. شورای صنفی دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا در خصوص وضعیت اسفبار و غیرقابل قبول تغذیه بیانیه ای صادر کرد. در حالی که طی روزهای اخیر گزارش های متعددی از پیدا شدن اشیای مشکوک در غذای

دانشگاه های مختلف کشور به #خبرنامه_امیرکبیر رسیده است، روز گذشته دانشجویان دانشگاه الزهرا نیز پس از پیدا شدن مگس و پلاستیک در غذای دانشجویی با چیدن سینی نسبت به کیفیت پایین غذای سلف، اعتراض خود را اعلام کردند. این اعتراض، نه یک اتفاق مقطعی، بلکه ادامه ای بر رخدادهای «زنجیره ای و سازمان یافته است که از دانشگاه های بزرگ کشور چون امیرکبیر، علم و صنعت، و بهشتی آغاز شده و حالا به شکل دومینویی نگران کننده در حال گسترش است. این درحالی است که براساس گزارش تحقیقاتی «خبرنامه امیرکبیر» دست کم در شش ماهه دوم سال گذشته، بیش از ۲۴۰ دانشجو در ایران به دلیل مسمومیت در مراکز درمانی بستری شدند.

اعتراضات معلمان و فرهنگیان به تنبیه دانش آموزان

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران در محکومیت وقایع تلخ و تکان دهنده تنبیه بدنی در شهر ری و سنندج و برخورد با دانش آموزان اعتراض کرد. دانش آموزان یک دبستان در روستای کرچو سنندج توسط معلم خود مورد تنبیه بدنی قرار گرفتند. در پی این رویداد یکی از دانش آموزان بر اثر شدت ضرب و شتم زخمی و در بیمارستان بستری شده است. براساس این گزارش، معلم این دبستان به دلیل گم شدن شارژ موبایلش، دانش آموزان را در کلاس حبس کرده و مورد ضرب و شتم قرار داده است. بر اثر این رویداد یکی از دانش آموزان به شدت زخمی و در بیمارستان بستری شد. رئیس آموزش و پرورش ناحیه دو سنندج ضمن تایید تصاویر منتشر شده اعلام کرد که پیگیری حقوقی و حراستی در حال انجام است و معلم اجازه حضور در کلاس را ندارد. صلاح الدین مفیدی با بیان این که این معلم که از فارغ التحصیلان دانشگاه فرهنگیان است و امسال کار خود را آغاز کرده، افزود: این معلم مشکل روانی داشته و قبلاً نیز یک سری تعهدات داشته است و امروز حکم اخراجش را از شهرستان صادر خواهیم کرد.

انجمن صنفی معلمان کردستان در مورد بیانیه هشدارآمیز ۸۰۰ نفر از چهره های علمی، فرهنگی و هنری کشور در خصوص برگزاری مراسم نوروز موضع گرفت و نسبت به مصادره نوروز با شعار؛ «آری به کثرت و پلورالیسم» موضع گرفت.

احضار و سرکوب معلمان ادامه دارد

دادگاه انقلاب کرمان ۹ تن از معلمان فعال را احضار کرد. آقایان #مجید نادری، #محمدرضا بهزادپور، #حسین رشیدی، #محمد مستعلی زاده، و خانم ها #شهناز رضایی، #زهرا عزیزی، #میترا نیکپور، #فاطمه یزدانی و #لیلا افشار را برای تکمیل دفاعیات خود به دادگاه احضار کرده است این فعالین صنفی معلمان از سال ۱۴۰۰ در ادامه موج سرکوب معلمان چندین نوبت با پرونده سازی های اطلاعات سپاه، پلیس امنیت و همچنین هیات تخلفات آموزش و پرورش مواجه شده اند. همینطور بازداشت امیرحسین باقری علویجه ادامه دارد و از وضعیت وی خبری در دست نیست.

محمد رسول پور، زندانی سیاسی، با اتهام جدید و محرومیت از مرخصی

محمد رسول پور، زندانی سیاسی اهل اشنویه، در پی اتهام «تبلیغ علیه نظام» از طریق ویدئو کنفرانس از زندان این شهر محاکمه شد. دادگاه او را به شش ماه محرومیت از مرخصی محکوم کرد. این پرونده سازی جدید، جدا از محکومیت قبلی او به یک سال و نیم حبس است که از آبان ۱۴۰۳ در حال سپری کردن آن است. رسول پور

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات

اجتماعی...

در ۱۹ فروردین ۱۴۰۴ ابلاغیه‌ای از شعبه اول دادیاری دادرای اشنویه دریافت کرد که او را به اتهام «فعالیت تبلیغی به نفع گروه‌های مخالف نظام» ملزم به حضور در دادرای ظرف پنج روز کرده بود. این شهروند پیش‌تر نیز به دلیل اتهاماتی چون «ارتباط با احزاب مخالف رژیم» بازداشت و در مهرماه ۱۴۰۳ به دو سال حبس محکوم شده بود که با تخفیف به یک سال و شش ماه کاهش یافت. رسول پور، ۵۲ ساله، متاهل و پدر سه فرزند، از زمان بازداشت در تیر ۱۴۰۳ تاکنون چندین بار درخواست انتقال به زندان نیمه‌باز داشته، اما این درخواست‌ها با دخالت اداره سرکوبگر اطلاعات اشنویه رد شده است.

ارغوان فلاحی، زندانی سیاسی، تحت فشار برای اعتراف اجباری

وضعیت ارغوان فلاحی، زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین، از تلاش برای پرونده‌سازی علیه او حکایت دارد. تلاش‌های خانواده این دختر ۲۵ ساله برای کسب خبر از وضعیت او در زندان و به ویژه دلیل بازداشت مجدد و اتهام منتسب به وی تاکنون بی‌نتیجه بوده و مقامات قضایی در دادرای امنیت تهران، به شکلی عامدانه از ارائه اطلاعات به خانواده وی خودداری می‌کنند. یک منبع مطلع در این زمینه گفته که بازداشت مجدد ارغوان فلاحی در ۶ بهمن سال گذشته توسط مأموران وزارت اطلاعات انجام شده و اکنون پرونده نزد این نهاد امنیتی است. به گفته این منبع علیرغم گذشت بیش از دو ماه از بازداشت ارغوان فلاحی، مقامات قضایی دادرای امنیتی اوین (شهید مقدس)، نه تنها هیچ‌گونه پاسخی به خانواده وی نمی‌دهند، بلکه اجازه ورود وکیل به پرونده را نیز نمی‌دهند و هیچ قرار قانونی نیز تاکنون درباره او صادر نکرده‌اند.

##صفاعاثلی، دایی مهسا ژینا امینی در سقر بازداشت شده است

بر اساس این گزارش در روز ۲۲ فروردین نیروهای اداره اطلاعات استان کردستان، خودروی آقای عاثلی را متوقف و او را بازداشت کرده‌اند. او بدون اطلاع قبلی و ابلاغیه رسمی اجرای حکم، به زندان سقر منتقل شده و در تماس تلفنی به خانواده خبر داده برای اجرای حکم زندان بازداشت شده است.

درخواست آزادی مشروط نسیم غلامی سیمیری،

شهروند اهل الموت و از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱، با مخالفت مقامات قضایی مواجه شد. این در حالی است که نسیم بیش از نیمی از دوران محکومیت دو ساله‌ی خود را سپری کرده و طبق قانون، پس از گذراندن یک‌سوم از مدت حبس، امکان برخورداری از آزادی مشروط وجود دارد. با این حال، بر اساس اعلام منابع مطلع، در حال حاضر یک سال و نه ماه از محکومیت حبس او باقی مانده است. نسیم غلامی سیمیری همچنین به تبعید به انگوران زنجان و تحمل ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده است.

مشهد؛ محکومیت سه وکیل دادگستری به حبس‌دوازده وکیل دادگستری
با اسامی سحر دشتی، فائزه سیدی، میترا ایزدی‌فر، فرزانه صفری، عنایت‌الله کرامتی، کاظم چزگی، مهدی محمد حسینیان، سجاد جواد، امیردخت بهاره برزگر، امین شهلا، محمدرضا یزدانی و روح‌الله

حسینی در مجموع به تحمل سه سال زندان و ۲۴۰ میلیون تومان جزای نقدی محکوم شدند.

تمدید مرخصی داود رضوی پس از بازگشت به زندان

به گزارش سندیکای کارگران شرکت واحد، داود رضوی، عضو هیئت‌مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، در تاریخ ۲۷ فروردین برای مدت پنج روز دیگر به مرخصی آمد. پس از بازگشت داود رضوی به زندان در تاریخ ۲۳ فروردین، در حالی که تلاش او برای تمدید مرخصی با پاسخ منفی دادستانی مواجه شده بود و ناچار شد با وجود بیماری دوباره به زندان بازگردد، سرانجام با درخواست تمدید مرخصی‌اش موافقت شد. سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن پیگیری وضعیت سلامت و آزادی این فعال کارگری، خواستار پایان‌دادن به فشارهای ناعادلانه علیه ایشان است. ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط داود رضوی، ابراهیم مددی، و دیگر کارگران، معلمان، زنان و فعالان مدنی زندانی هستیم.

قتل زنان زیر سایه جمهوری اسلامی ادامه دارد

رسانه‌ها گزارش دادند، مردی حدوداً ۴۰ ساله در بندرعباس، سر همسر خود را برید، او را به بهانه «ناموس» به قتل رساند و سپس به زندگی خود پایان داد. این مرد که در مقابل چشمان فرزند خود اقدام به این قتل کرده بود، پیش از خودکشی، روی در سرویس بهداشتی خانه نوشته بود: «چون زنم با تعمیرکار خیانت کرد، گشتمش. همش تقصیر پدرزن و مادرزنمه!» با افزایش قتل‌های خانوادگی، روزنامه شرق در بهمن‌ماه گزارش داده بود که تنها در یک روز در سه شهر سه مورد قتل خانوادگی رخ داد. شرق نوشته بود طبق آمار موجود، طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ در هر چهار روز دست‌کم یک زن به دست مردان خانواده خودش کشته شده است.

کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در شصت و چهارمین هفته

کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در شصت و چهارمین هفته خود با پیوستن بند زنان زندان زاهدان و زندان ایزم لاهیجان به ۴۰ زندان در سراسر ایران گسترش یافت. این کارزار در بیانیه‌ای اعلام کرد که رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب اعتراضات مردمی و در بحبوحه بحران‌های داخلی و بین‌المللی، اعدام‌ها را شدت بخشیده است. تنها در روزهای نوزدهم و بیستم فروردین، ۲۹ زندانی اعدام شدند که شامل ۵ زندانی سیاسی-عقیدتی در زندان وکیل‌آباد مشهد و یک زندانی ۲۲ ساله در زاهدان بود. همچنین یک زندانی کودک‌مجرم در گنبدکاووس به دار آویخته شد. از نوزدهم تا بیست‌وینجم فروردین، ۱۸ زندانی در سیستان بلوچستان اعدام شده‌اند که نشان‌دهنده نقض گسترده حقوق بشر در ایران است. کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» از نهادهای بین‌المللی خواست تا صدای زندانیان ایران باشند و علیه احکام غیرانسانی اعدام اقدام کنند. این کارزار امروز سه‌شنبه بیست‌وششم فروردین با اعتصاب غذا در ۴۰ زندان ادامه یافت و بر مقاومت علیه اعدام تأکید کرد.

زنده باد شوراها!

ارگانه‌های اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه
جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا
کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان
حاکمیت!

یک دنیای بهتر



تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر
یک امید و آرمان همیشگی انسانها
در طول تاریخ جامعه بشری بوده
است. علیرغم رواج ایده های
قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی

و غیر مذهبی حتی در دنیای باصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که
هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ
میکند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم
همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی
اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا
میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز
رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه
فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش
ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های
وسیع مردم را جهت میدهد .

کمونسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و
اعتقاد انسان های بیشمار و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن
یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و
میسر است .

در باره مذاکرات دولت های آمریکا و

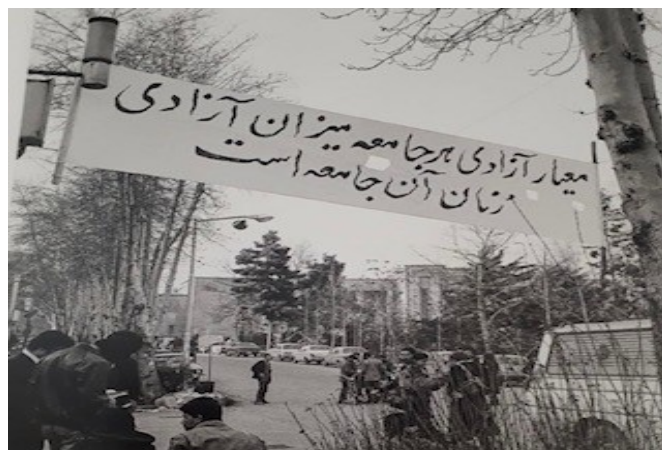
جمهوری اسلامی

سیاوش دانشور

منفعت جنبش طبقه کارگر و اردوی انقلابی نه در جدال دولتهای
ارتجاعی بلکه در تداوم مبارزه مستقل و انقلابی است. ما در هر حال
اردوی خود را برای سرنگونی انقلابی و راه حل آزادیخواهانه و
سوسیالیستی تقویت میکنیم و در

کنار کمپ های ارتجاعی قرار نمی گیریم. ما کمونیست ها برخلاف
نیروهای متفرقه ارتجاعی طرفدار دو کمپ تروریستی، مخالف شرایط
جنگی هستیم در عین حال سازش جمهوری اسلامی با آمریکا با
مخالفت ما روبرو نمیشود.

۱۴ آوریل ۲۰۲۵



partow TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب کمونیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال اترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

1 MAY
International
Workers' Day

زنده باد اتحاد کارگری

کارگر بپاخیز برای رفع تبعیض!

حزب کمونیست کارگری کمیت
کمیته کردستان

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

ستون آخر

در باره مذاکرات دولت‌های
آمریکا و جمهوری اسلامی

سیاوش دانشور



ناسیونالیست‌های دواشته بزعم خودشان دارند "با امپریالیسم مبارزه میکنند!"

یک سیاست کارگری و کمونیستی و آزادیخواهانه نمیتواند ذره‌ای به این نوع تبلیغات نزدیکی داشته باشد. ما کمونیست‌ها می‌گوئیم؛ تقابل نظامی و سازش دولتهای ارتجاعی هر دو به ضرر مردم است. منفعت مردم در تداوم مبارزه انقلابی و سرنگونی این جنایتکاران است. کمونیست‌ها در این کشمکش نه کنار رژیم اسلامی و دولت‌های آمریکا و اسرائیل قرار می‌گیرند و نه مشاور سیاسی جمهوری اسلامی میشوند. کارگران و مردمی که تاکنون توان این کشمکش ارتجاعی را پرداخته‌اند، میدانند که مخاطره جنگ و نفس جنگ بمثابة ایزاری خونین در دست جمهوری اسلامی برای قیچی کردن آنها از سیاست، سرکوب گسترده‌تر و نابودی بیشتر است.

لذا مخالف هر نوع حمله نظامی هستند. در عین حال میدانند که سازش جمهوری اسلامی با آمریکا نشان ضعف حکومت است و تضعیف حکومت را به نفع مبارزه خود میدانند.

صفحه ۱۵

تبلیغات اپوزیسیون بورژوائی بشدت مسموم و ضد جامعه است. رضا پهلوی می‌گوید: "خامنه‌ای با تهدید ترامپ ترسید و پای مذاکره آمد". از سلطنت‌طلبان تا مجاهدین و ناسیونالیست‌های قومی و مجموعه نیروهای پنتاگون‌یست در آرزوی حمله آمریکا و اسرائیل هستند با این توهم که جمهوری اسلامی در پس این اوضاع سرنگون میشود و اینها به نان و نوائی میرسند. می‌گویند: با حمله نظامی "فرصتی برای مردم ایجاد میشود تا رژیم را سرنگون کنند!" این جماعت بشدت غیر مسئول و ضد جامعه هستند و کمترین ربطی به امر آزادی مردم ندارند.

عده دیگری هستند که بقولی "نه سر پیازند نه ته پیاز" اما در هیئت مشاوران خامنه‌ای ظاهر میشوند. اینها تتمه خط ورشکسته "محور مقاومت" اند و خط سیاسی‌شان با خشکه مقدس‌های رژیم کمترین تمایزی ندارد. اینها راساً نیروئی نیستند اما تبلیغاتشان مثل راستهای اپوزیسیون مسموم است. می‌گویند باید "مقابله به مثل کنیم، در منطقه موشک بزنی، باید بمب اتمی بسازیم!" این

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

هفتگی
کمونیست

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سر دبیر سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

https://alternative-shorai.tv/

زنده باد سوسیالیسم!

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

رحمان حسین زاده

Hosiansade.r@gmail.com

دبیر اجرایی

سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

Saeed_arman2002@yahoo.co.

UK

هینت تحریریه نشریه کمونیست:

سیاوش دانشور، ملکه عزتی، سیوان کریمی، پروین کابلی، رحمان حسین زاده، هلاله طاهری، ناصر مرادی